



شاخص‌های نیروی انسانی کارآمد نظام از منظر نهج البلاغه

محمد سبحانی یامچی^{*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴
(از ص ۸۱ تا ۱۰۰)

چکیده

کارآمدی و خلاقیت کارگزاران و مدیران از عوامل مهم و اساسی در کارایی نظام‌های سیاسی است که همیشه مورد توجه متفکران این حوزه بوده است. نگاه توحیدی حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) به ساختار حکومت و ایفای نقش اساسی آن در شکل‌گیری رفتار و اخلاق جامعه و سرنوشت مادی و معنوی مردم، ایجاب می‌کند در گزینش و به‌کارگیری نیروی ارزشی که به‌عنوان سرمایه در اختیار مجموعه نیروی انسانی قرار می‌گیرد، شاخص‌هایی مدنظر قرار گیرد. این نوشتار به روش توصیفی تحلیلی از نگاه حضرت امیر(ع) به برخی از شاخص‌های نیروی انسانی کارآمد اشاره می‌کند که مجموعه نیروهای انسانی با عنایت به این ویژگی‌ها می‌توانند برای مجموعه تحت امر خود یک سرمایه سیاسی کارآمد گزینش کنند. نتیجه حاصل از این نگاشت آن است که با شاخص‌هایی چون دینداری، ایمان به هدف، اخلاص در عمل، شایستگی در تخصص و تعهد، صبور و مقام در برابر مشکلات، کاردان کار بلد، خستگی‌ناپذیری در کارها، انقلابی و ولایتمدار و مردمی بودن، می‌توان نیروی کارآمد طراز نظام اداری علوی انتخاب کرد.

کلید واژه‌ها: کارگزار نظام، نظام کارآمد، امام علی(ع)، نیروی انسانی کارآمد.

۱. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

یکی از عوامل مهم و اساسی در ثبات و کارایی نظام‌های سیاسی که از دیرزمان تاکنون در فلسفه سیاسی و تاریخ تطور فکر سیاسی در میان متفکران این حوزه، مدنظر بوده است، مسئله کارآمدی و خلاقیت کارگزاران و مدیران یک نظام سیاسی است. از آنجاکه نگاه امام علی(ع) به سیاست، نگاهی توحیدی و الهی است، سیاست و ساختار حکومت در نگرش آن حضرت نه صرفاً به دلیل نقش آن در مدیریت امور اقتصادی و اجتماعی و تأمین امنیت و آبادانی و رفاه مردم، بلکه مهم‌تر از این به دلیل نقش اساسی سیاست در شکل‌گیری رفتار و اخلاق جامعه و سرشت و سرنوشت معنوی مردم، جایگاه برجسته و مهمی پیدا می‌کند چراکه «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۸) بنای نظام سیاسی از دیدگاه آن حضرت تلاش و مجاهدت مشترک امام و امت برای اعلای کلمه حق و اعتلای همه‌جانبه امت است. مجاهدتی که برخاسته از بینش الهی و نظام ارزشی واحدی است و امام و امت آن را با جان و دل پذیرفته‌اند و ضرورت آن را باور دارند (ذوعلم، ۱۳۷۱: ۱۷/۶).

علی(ع) زمامداری و حکومت بر مردم را بر دو نوع می‌داند. یک نوع آن همان است که در طول تاریخ جریان داشته آن هم به‌گونه‌ای که بسیاری از حاکمان در تعیین خطمشی حکومت، خواسته‌های شخصی خود را ملاک تصمیم‌گیری‌های سیاسی خود قرار داده‌اند. این نوع زمامداری عامل بدبختی انسان‌ها بوده و جز خسارت زدن به مردم و اهانت کردن به حیات انسان‌ها کار دیگری نکرده‌اند. زمامداری نوع دوم به‌گونه‌ای است که زمامدار احساس تعهد بر دین می‌کند و در پیشبرد عناصر رشد و کمال خود و دیگران از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد و همواره در پی آن است تا حقی را بر پای داشته و باطلی را دفع نماید. (نصری، ۱۳۸۸: ۲۹۹) از نگاه حضرت غایت اصلی حکومت اسلامی حفاظت از مردم در ابعاد و جنبه‌های مختلف آن و خدمت به آنان برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی است. آن حضرت انگیزه خود را از پذیرفتن امر حکومت چنین بیان می‌دارد: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الْاَلَدَى كَانَتْ مَنَا مَنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا اَلْتِمَاسِ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ اَلْحُطَامِ وَ لَكِنْ لَتَرِدَ اَلْمَعَالِمُ مِنْ دِينِكَ وَ نُظَهَرَ اَلْاِصْلَاحُ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنُ اَلْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ اَلْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ» (خطبه/ ۱۳۱) خدایا تو می‌دانی که آنچه از جانب ما در پذیرش امر خلافت اجرا شد، هرگز برای قدرت‌طلبی یا زیاده‌جویی از بهره‌های دنیوی نبوده، بلکه برای این بوده است که نشانه‌های دین تو را به‌جای خود برگردانیم و در شهرهای تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ها در امنیت به سر برند و قوانین و احکام رهاشده‌ی تو بار دیگر اجرا گردد.

۱-۱. بیان مسئله

برای ساختن جامعه‌ای آرمانی که در آن قوانین کتاب الهی و سنت پیامبر خاتم صلی‌الله علیه و آله اجرا شود، نیازمند نیروهای خودساخته ولایی است تا اهداف ولی الهی در جامعه پیاده شود. در نگاه حضرت امیر(ع) مردم سنگ زیرین آسیای حکومت و فرمانروا تنها وکیل، امین و نماینده مردم است و حکومت از نوع خدمتی است که یک امین صالح برای موکل خویش انجام می‌دهد (شریفی‌نیا، ۱۳۸۰: ۱۱). بنابراین آن حضرت ولایت و حکومت را تنها حق کسانی می‌داند که ویژگی‌ها و شایستگی‌های به دست آوردن آن

را داشته باشند. البته این حق، در عین حال عهد و پیمان سه جانبه‌ای است بین خدا، حاکم و مردم، نه یک حق شخصی محض که صاحب حق بتواند آن را به دلخواه استیفا کند یا از آن به کلی چشم‌پوشد. اگر پذیرفتن حق حکومت در صورت فراهم بودن لوازم و زمینه‌های آن، برای کسی که شایستگی‌های آن را دارد، تکلیف و وظیفه‌ای سنگین است که نمی‌توان از آن شانه خالی کرد، ضروری است برای این مهم نیروی سازمانی کارآمد در شأن چنین حکومت تربیت شود تا بتواند دوشادوش ولایت در امر اجرای حکومت یاری رساند. اینکه نیروی انسانی کارآمد نظام ولوی چه ویژگی‌ها و شاخص‌هایی داشته باشد تا بر مبنای آن بهترین‌ها و برترین‌ها گزینش شود، موضوع این مقاله است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

درباره پیشینه این بحث نگارنده به نگاشت مستقلی درباره شاخص‌های نیروی انسانی کارآمد نظام علوی از منظر نهج‌البلاغه برخورد نکرده است؛ بنابراین نوشتار به‌نوبه خود از نگاه نهج‌البلاغه بحثی قابل‌تأمل است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

خودشناسی و شناخت جایگاه و ارزش کار و مسئولیت، برای هر فرد لازم و ضروری است. چراکه دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و برای نادانی انسان همین بس که از قدر خویش بی‌خبر ماند. «الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ» (خطبه/۱۰۳) از نظر امام علی(ع) ریاست‌طلبی با من حقیقی انسان ناسازگار است. چون انسان ریاست پرست، اسیر خود طبیعی است و خود را برتر از دیگران به شمار می‌آورد. درحالی‌که ریاست موردنظر علی(ع)، آن نوع ریاستی است که شخصی امین، مدیریت انسان‌ها را به عهده گرفته و آن را امانت الهی تلقی کند و تلاش وی در جهت نجات و ارتقای انسان‌ها باشد، نه تورم خود طبیعی (نصری، ۱۳۸۸: ۲۹۷). شناخت جایگاه حقوقی نیروی انسانی کارآمد حکومت اسلامی از اهمیت و ارزش دوچندان برخوردار است. چراکه عدم‌اطلاع یا ناآگاهی از جایگاه و منزلت خود، موجب می‌شود با عملکرد ناقص خود ناکارآمدی نظام را به رخ دیگران بکشد و از طرف دیگر مایه دل‌سردی دل‌سوختگان و نیروهای ارزشی و انقلابی نظام اسلامی شود. پس ضروری است در گزینش نیروی انسانی کارآمد به این مهم توجه کرد و کسانی را انتخاب نمود که «لَا يَجْهَلُ مَبْلَغَ قَدْرِ نَفْسِهِ فِي الْأُمُورِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ يَقْدِرُ نَفْسَهُ يَكُونُ يَقْدِرُ غَيْرِهِ أَجْهَلٌ» (نامه/۵۳) نسبت به ارزش و منزلت خویش ناآگاه و بی‌اطلاع نباشد که شخص ناآگاه از منزلت خویش از ارزش و مقام دیگری ناآگاه‌تر خواهد بود. به دیگر سخن، از کسانی نباشد که غرور مقام و موقعیت او را علیه نظام به گستاخی بکشاند. «مِمَّنْ لَا تُبْطِرُهُ الْكِرَامَةُ فَيَجْتَرِي بِهَا عَلَيْكَ فِي خِلَافٍ لَكَ بِحَضْرَةِ مَالٍ» (نامه/۵۳) از کسانی که موقعیت و مقام آن‌ها را مست و مغرور نسازد که در حضور بزرگان و سران مردم نسبت به تو مخالفت و گستاخی کنند.

از منظر حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌توان به موارد و شاخص‌هایی اشاره کرد که اگر این خصوصیت‌ها در فردی از افراد سازمان یافت شد، این فرد به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی و سیاسی در

خدمت سازمان و نظام اسلامی خواهد بود. به دیگر سخن با این معیارها و شاخص‌ها می‌توان برای نظام سازمانی طراز حکومت علوی، نیرو و کارگزار مناسب انتخاب کرد که نتیجه آن دلدادگی و سرسپردگی آحاد مردم به نظام اسلامی خواهد بود. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۲. بحث

هر سازمانی برای گزینش نیروی انسانی کارآمد معیارها و شاخص‌هایی در نظر دارد. در این مقاله از نگاه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و از منظر نهج‌البلاغه به برخی از شاخص‌ها جهت انتخاب نیروی انسانی کارآمد نظام اشاره می‌شود.

۲-۱. دیندار با تقوا

اطاعت از خداوند و دینداری، اولین پایه رستگاری است. رسول مکرم اسلام صلی‌الله علیه و آله همین که برای اولین بار در میان مردم ظاهر شد و بعثت خود را آشکار کرد، فرمود: مردم بگوئید «لا اله الا الله» تا رستگار شوید. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام نیز از خداوند سلامت در دین را طلب نمود و فرمود: «از او سلامت در دین را خواهیم آن‌گونه که تندرستی را از او درخواست داریم» (خطبه/۹۹) دینداری و تقوای الهی از جمله عواملی است که انسان را در رسیدن به آرزوهای دنیوی و اخروی و کسب موفقیت‌ها کمک می‌کند. علی(ع) در این باره می‌فرماید: «همانا ترس از خدا کلید هر در بسته و ذخیره رستخیز و عامل آزادگی از هرگونه بردگی و نجات از هرگونه هلاکت است. در پرتو پرهیزکاری، تلاشگران پیروز و پروا کنندگان از گناه رستگار می‌شوند و به هر آرزویی می‌توان رسید» (خطبه/۲۳۰).

امام علی(ع) در جای دیگری درباره نقش تقوی و دینداری در رساندن انسان به اهداف و رفع مشکلات می‌فرماید: «پس کسی که تقوا را انتخاب کند، سختی‌ها بعد از نزدیک شدنشان، از او دور گردند، تلخی‌ها برای او شیرین و فشار مشکلات و ناراحتی‌ها برطرف خواهند شد و مشکلات پیاپی و خسته‌کننده، آسان گردیده و مجرد و بزرگی از دست‌رفته چون قطرات باران بر او فرو می‌بارند، رحمت بازداشته حق بر او باز می‌گردد و نعمت‌های الهی پس از فرو نشستن برای او به جوشش می‌آیند و برکت تقلیل یافته برای او فزونی گیرند» (خطبه/۱۹۸). کارگزار و سرمایه انسانی کارآمد نظام اسلامی در وحله اول نیازمند دینداری و دین‌مداری است و تا باور به خداوند عالمیان و توحید و معاد نباشد، در مسیر و چرخه خدمت‌رسانی که توأم با هزاران چالش و سنگ‌اندازی است، با مشکل مواجه خواهد شد. شاید یکی از اولین شاخص‌های نیروی انسانی کارآمد که جزو سرمایه‌های نظام اسلامی قلمدار می‌شود، پایبندی قولی و عملی به دین و داشتن تقوی علمی و عملی در پست سازمانی است.

۲-۲. عارف به هدف و مؤمن به آن

داشتن هدف در زندگی جزء لوازم اصلی حیات سعادت‌مندانه و معنادار است، انسان زمانی به امنیت و آرامش خاطر دست می‌یابد که افق روشنی برای آینده خود ترسیم کند و بانگیزه رضایت درونی برای رسیدن به

آنچه که در آن افق مدنظر دارد، تلاش کند. یک نیروی سیاسی طراز نظام اسلامی باید نسبت به راهی که انتخاب کرده آگاهی کامل داشته باشد؛ به سخن دیگر باید هدف را خوب بشناسد و با شناخت در راهی که انتخاب کرده، تلاش کند و انسان‌ها را با آگاهی به صراط مستقیم الهی دعوت کند که «کسی که از روی آگاهی عمل می‌کند، همچون رهروی است که در جاده روشن قدم برمی‌دارد» (خطبه/۱۵۴). برای رسیدن به هدف همیشه موانعی سر راه قرار می‌گیرد؛ بنابراین باید با ایمان به هدف قدم‌ها را استوار برداشت، به طوری که هیچ چیز و هیچ کس، توان مقابله و مانع‌تراشی را برای انحراف از مسیر و هدف نداشته باشد. چنان‌که پیامبر اکرم (ص) با ایمانی که به هدف خویش داشت، فرمود: «اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم قرار دهید، حاضر به کنار گذاشتن هدف نیستم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۲/۱۸).

علی (ع) در این باره می‌فرماید: «به اهل بیت پیامبران بنگرید. از آن سمت که آن‌ها گام بر می‌دارند، منحرف نشوید و قدم به جای قدمشان بگذارید. آن‌ها هرگز شما را از جاده هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر قیام کردند، قیام کنید. از آن‌ها پیشی‌نگیری که همراه می‌شوید، از آنان عقب‌نمانید که هلاک می‌گردید» (خطبه/۹۷). یکی از آفات سازمانی یک سرمایه‌سیاسی گم کردن هدف یا دنبال اهداف متعدد بودن است. یک کارگزار که کارش نشر فرهنگ خدمت‌رسانی اهل بیت علیهم‌السلام است، نباید خود را درگیر کارهای دیگر کند یا در کنار وظیفه اصلی به کارهای دیگر مشغول شود. علی (ع) در ضمن توصیه‌ای به چنین افرادی که دنبال اهداف متعددی هستند، می‌فرماید: «کسی که به کارهای مختلف بپردازد، حيله‌ها او را خار می‌کند» (حکمت/۴۰۳) اگر ما وظیفه و هدفی جز نشان دادن کارآمدی نظام اجرایی کشور نداریم و اگر هر روز دشمنان اسلام به بهانه‌های مختلف با شگردهای رنگارنگ، سعی در خاموش کردن نور دین با القای شبهات در بین نسل جوان و تشکیک در مبانی دین و آلوده کردن فضای ایران اسلامی دارند، باید عالی‌ترین هدفمان نابودی باطل و پایداری حق باشد. چنان‌که حضرت در نامه‌ای به عبدالله بن عباس فرمودند: «باید بهترین امور نزد تو خاموش کردن باطل یا زنده کردن حق باشد» (نامه/۶۶) و چه زیبا فرمود عزیز حکیم که ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفَؤُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (صف/۸)؛ آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان‌های خود خاموش کنند؛ ولی خدا نور خود را کامل می‌کند. هر چند کافران خوش نداشته باشند.

۲-۳. مخلص در انجام وظیفه

اخلاص از ابتدایی‌ترین صفات یک نیروی کارآمد نظام و یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذاری تلاش پیامبران و رمز بقای مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هست، چراکه اگر تبلیغ برای خدا صورت نگیرد، اثری بر دل‌ها نخواهد گذاشت و هدف از آن تأمین نخواهد شد. همچنان‌که جاودانگی آثار قلمی و بیانی بعضی از بزرگان نشأت گرفته از تلاش مخلصانه آن‌هاست.

علی (ع) که تمام وجودش برای خدا بود، می‌فرماید: «بدون تردید محبوب‌ترین بنده خدا کسی است که

خدا او را در پیکار با نفس یاری داده است... و کردار خود را خالصانه به دور از ریا برای خدا انجام دهد و خدا هم وی را بپذیرد» (خطبه/۸۷). در سایه خالصانه عمل کردن است که یک نیروی انسانی در سازمان به همه اهداف خود خواهد رسید و تلاشش مؤثر خواهد شد. به قول ایاز طالش: بی‌نام و بی‌نشان شو تا زو نشان بیابی / کس با نشان نیابد آن یار بی‌نشان را.

علی(ع) فرمودند: «خداوند رحمت کند کسی را که... اعمال خالص به دور از ریا پیش فرست و عمل صالح و شایسته انجام دهد.» (خطبه/۷۶) همچنین فرمودند: «در کارها ریا و تظاهر و خودنمایی به خرج ندهید، چون هر کس کاری برای غیر خدا انجام دهد، خداوند او را به همان که برای او کار کرده است، وامی‌گذارد» (خطبه/۲۳).

مرحوم کلینی از وجود امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «مَنْ أَرَادَ الْخَدِيثَ لِمَنْفَعَةِ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيبٌ وَمَنْ أَرَادَ بِهِ الْآخِرَةَ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۶/۱) هر کس حدیث‌گویی را برای منافع دنیوی اراده کند، بهره‌ای از آخرت نخواهد داشت و هر کس به قصد آخرت آن را اراده کند، خداوند دنیا و آخرت را به او می‌دهد. بنا به فرموده حضرت علی علیه‌السلام اخلاص و راستی موجب نابودی دشمنان و یاری خداوند است. آن حضرت می‌فرماید: «هنگامی که خداوند راستی و اخلاص ما را ببیند، خواری و ذلت را به دشمنان ما نازل می‌کند.» (خطبه/۵۶) یکی از آفات کارهای اجرایی این است که کارگزار در کار خود منافع مادی، پست، مقام و... را اصل قرار ندهد و نیت خود را برای خدا خالص نگرداند. درحالی‌که خداوند تنها به اعمالی عنایت و توجه دارد که با نیتی پاک و قلبی صاف صورت بگیرد. اگر کارگزار مخلص نظام، با دلسوزی و فداکاری، هدفی جز هدایت و راهنمایی مردم در بعد سازمانی نداشته باشد، هرگونه ناملایمات و رفتارهای زشت مردم جاهل را با روح پاک خود تحمل می‌کند و این رفتارها خللی در کار او ایجاد نخواهد کرد.

۲-۴. خانواده‌دار و امانت‌دار

از منظر امام علیه‌السلام حکومت نه برای حفظ منابع دولت و طبقه حاکمه که برای تثبیت فضیلت و معنویت در امت و ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر کرامت انسانی و فضایل اخلاقی است. برای اخلاقی بودن جوامع و ملت‌ها ابتدا باید سیاستمداران و کارگزاران پای بند اصول اخلاقی و پذیرای ارزش‌های انسانی باشند، حتی اگر به مبدأ و معاد و پاداش و جزای جهان دیگر باور نداشته باشند. امام علیه‌السلام در ابتدای امر برای اصلاح نظام سیاسی و اداری کشور به عزل کارگزاران و نمایندگان ناشایست اقدام نمود. این‌ها اغلب افرادی بودند که در دوران خلفای پیشین، جامعه اسلامی را در پی سیاست‌های تند و خشونت‌بار و رفتارهای غیر منطبق با موازین اسلام و براساس معیارها و ارزش‌های فرهنگ جاهلی، به سوی انحرافات و دوری از مسیر حق هدایت می‌کردند (ری‌شهری، ۱۳۷۵: ۱۱۹/۴). در پی اقدامات قاطع امام علی علیه‌السلام برای اصلاح نظام سیاسی و اداری کشور، مغیره بن شعبه به حضرت پیشنهاد کردند که کارگزاران پیشین از جمله معاویه بن ابی سفیان را به‌طور موقت بر منصب خود باقی‌گذارند و پس‌از آن که اوضاع سامان یافت، آن‌ها را عزل کند. حضرت با استناد به آیه شریفه ﴿وَمَا كُنْتُ مُتَّجِدًا الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾

(کهِف/۵۱) با چنین پیشنهادهایی به طور قاطع مخالفت کردند. (طوسی، ۱۴۱۴: مجلس ۳، ۸۷) امیرالمؤمنین پس از عزل کارگزاران ناشایست، مهم‌ترین شاخص را در انتساب کارگزاران و مدیران جامعه، اتصاف به اصول و ارزش‌های اصیل و داشتن فرهنگی شناخته شده و ارزشی دانستند و در حفظ این شاخص به مالک اشتر چنین سفارش فرمودند: «برای کارها کسانی را برگزین که از تجربه نجابت بهره‌مند باشند، از خانواده‌های ریشه‌دار و شایسته و پیشتاز قبل از اسلام برخاسته باشند؛ زیرا اخلاق آن‌ها بهتر و خانواده آن‌ها پاک‌تر و همچنین کم‌طمع‌تر و در سنجش عواقب کارها بیناترند» (نامه/۵۳). از آنجا که اخلاق و منش کارگزاران تأثیر بسزایی در شکل‌گیری فرهنگ و آداب‌ورسوم مردم دارد، ضروری است در انتخاب نیروی انسانی به این اصل نیز توجه جدی شود، چراکه به مصداق «الْأَسُّ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ» مردم دنباله‌رو سیره و سیرت زمامداران و رهبران خود هستند و اصلاح آنان باعث اصلاح امت خواهد بود. «الْأَسُّ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۸).

اصولاً انسان‌هایی که از خانواده‌های بافضیلت برخاسته باشند، فضایل اخلاقی را با پوست و خون خود عجین کرده‌اند. چنین انسان‌هایی قابلیت پذیرش و تحمل و امانت‌داری اسرار نظام را دارند و می‌توان در این امر مهم به آنان اعتماد کرد. «نامه‌های سری و نقشه‌ها و طرح‌های مخفی را در اختیار کسی بگذار که دارای اساسی‌ترین اصول اخلاقی باشد» (نامه/۵۳). به فرمایش رهبر معظم انقلاب، باید توجه داشت که «اخلاق و عقاید نمایندگان و مسئولان برخلاف اخلاق و عقاید مردم، مسئله فردی و شخصی نیست بلکه مسئله‌ای عمومی است، چراکه اگر فردی معامله‌گر باشد و دنبال پر کردن جیب خود و اطرافیان باشد و یا بیگانه‌پرست و ترسو و فاسد باشد همین اخلاق و عقاید او منشأ مشکلات فراوانی برای کشور و مردم خواهد شد» (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۸۲/۹/۲۷). براساس اندیشه سیاسی امام علی علیه‌السلام امانت‌داری از ویژگی‌های برجسته کارگزاران حکومتی است. چون هر آنچه در اختیار آنان قرار می‌گیرد، اعم از منصب و دارایی، مربوط به عموم ملت و حاصل خون شهدا و مجاهدت مجاهدان است و تا مدتی نزد آن‌ها امانت است. از این رو وظیفه دارند امانت‌های مردم را به خوبی حفظ نموده و در جهت منافع مادی و معنوی آن‌ها از آن استفاده نمایند و توجه داشته باشند که میراث دار چه کسانی هستند و بی‌توجهی یا خیانت به این امانت باارزش چه صدمات جبران‌ناپذیری به همراه دارد.

آن حضرت در خصوص انتخاب نیروی مورد اعتماد و امانت‌دار فرمودند: «بر کسانی اعتماد کن که در میان مردم خوش‌سابقه‌تر (خوش‌نام‌تر) و در امانت‌داری معروف‌اند و این خود دلیل آن است که تو برای خدا و کسانی که والی بر آنان هستی خیرخواه می‌باشی» (نامه/۵۳) از آنجا که پذیرش مناصب مهم، معمولاً زمینه سوءاستفاده اقوام و خویشان را فراهم می‌کند، بسیار ضروری است که صاحبان چنین مناصبی با التزام جدی به مقررات و ضوابط شرعی و قانونی و نگرش متساوی به همگان و نیز برخورد قاطع با رانت‌خواران، از خود و مسئولیتی که به آنان محول گردیده دفاع کنند.

در سال ۳۸ هجری به دنبال گزارشی، امام علیه‌السلام به مصقله بن هُبیره شیبانی که نماینده حضرت در ادرشیر خُره بود نوشتند: «تو غنایم مسلمانان را که از نیزه‌ها و اسب‌های آنان گرد آمده و خونشان بر

سر آن بر زمین ریخته در میان بادیه‌نشینان قبیله خودت که تو را برگزیده‌اند تقسیم می‌کنی! سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، اگر این خبر حقیقت داشته باشد، منزلت خود را نزد من کاسته‌ای و کفه اعتبارت را سبک کرده‌ای» (نامه/۴۳).

گزینش افراد دارای صلاحیت خانوادگی و خوش‌نام و امانت‌دار به‌اندازه‌ای دارای اهمیت است که حضرت به خاطر خیانت مندر بن جارود عبدی، خطاب به ایشان نوشتند: «اگر آن چه از تو به من رسیده درست باشد، شتر بارکش خانواده‌ات و بند کفشت از تو بهتر است و کسی که همچون تو باشد نه شایستگی این را دارد که حفظ مرزی را به او بسپارند و نه کاری به‌وسيله او اجرا شود، یا قدرش را بالا برند و یا در امانتی شریکش سازند و یا در جمع‌آوری حقوق بیت‌المال به او اعتماد کنند» (نامه/۷۱). هم چنان‌که به زیاد بن ابیه در سال ۳۶ هجری وقتی جانشین عبدالله بن عباس در بصره بود، نوشتند: «از روی راستی و درستی به خدا سوگند یاد می‌کنم اگر به من خبر برسد که تو در بیت‌المال مسلمین به کم و یا زیاد خیانت کرده و برخلاف دستور صرف نموده باشی، چنان بر تو سخت‌گیرم که تهی‌دست شوی و هزینه زندگی بر دوشت سنگینی کند و خوار و ذلیل شوی، با درود» (نامه/۲۰).

شاخص شرافت خانوادگی و توأمان امانت‌دار و خوش‌نامی یک سرمایه سیاسی برای نظام، دارای چنان ارزشی است که حضرت امیر علیه‌السلام در سیره سیاسی اجتماعی خود، این اصل را از مهم‌ترین اصول حاکمیت در حکومت می‌دانستند و بر اجرایی کردن این اصل در کارگزاران پای می‌فشردند. در نامه‌ای به یکی از عمال خود می‌نویسند: «باخبر شدم که زمینی را از محصول خالی کرده‌ای و هر چه زیر پایت بود برگرفته‌ای و بیت‌المال را که در اختیار داشتی خورده‌ای، حسابت را نزد من فرست» (نامه/۴۰).

برخورد شدید و گاه عزل کارگزاری که در پست حکومتی مرتکب خیانت به امانت شده بود، حاکی از این است که در حکومت علوی انتخاب انسان امانت‌دار وظیفه‌ای بس سنگین است که به‌راحتی نباید از کنار آن با بی‌اعتنایی گذشت. حضرت به مخنف بن سلیم نوشتند: «آن‌که امانت را مهم نشمارد و در آن خیانت کند و جان و دین خود را از لوٹ آن پاک نسازد، خود را در دنیا در ذلت و خواری افکنده و در آخرت ذلیل‌تر و خوارتر خواهد بود، همانا بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به مردم و رسواترین دغل‌کاری، دغل‌کاری با پیشوایان است» (نامه/۲۶). چون خیانت فی‌نفسه قبیح و بد است، هر چند نسبت به کسانی که به آن‌ها اعتماد نشده باشد و اما خیانت به کسانی که به آنان اعتماد شده، بدتر است (خویی، ۱۴۰۰: ۵۶/۱۹).

۲-۵. شایستگی در تخصص و تعهد

یکی از اصول موردتوجه اسلام، شایسته‌سالاری و تکیه اساسی بر صلاحیت‌های افراد در به‌کارگیری آن‌ها در پست‌های اجرایی است. تأکید اسلام بر ملاک‌های گزینش و صلاحیت افراد برای این است که فساد اداری و تباهی در بدنه نظام از جایی شروع می‌شود که انتساب، فامیل، تبار، رفیق و باند، جای صلاحیت‌ها و شایستگی‌های اخلاقی و تخصصی را بگیرد و هیچ توجهی به شایستگی و توان افراد نشود. این کار علاوه بر بی‌توجهی به تخصص‌گرایی و حقوق مردم و جامعه، کارهای حکومت را از محور خود خارج و زمینه عقب‌گرد و سقوط جامعه را فراهم می‌کند. در نظام مدیریتی اسلام، مناصبی که به کارگزاران

حکومتی واگذار می‌گردد، بر مبنای لیاقتی است که آنان در ایفاء مسئولیت خویش از آن‌ها برخوردار می‌باشند. سپردن پست‌های سازمانی به افراد بر اساس شایسته‌سالاری و اهلیت‌گرایی و قرار دادن اشخاص در مراتبی که توان و تعهد لازم را نسبت به آن دارند، یکی از سفارشات مهم حضرت امیر علیه‌السلام به مسؤولین رده‌بالا بود. چون وقتی کسی به مسؤولیتی گمارده می‌شود که اهلیت لازم را برای آن مسؤولیت نداشته باشد، چنین شخصی به‌طور معمول تحت انواع فشارهای درونی و بیرونی قرار می‌گیرد و در نتیجه دچار انواع تباهی‌ها می‌شود و از آنجاکه شخصیت وی با مسؤولیتی که بر دوش او نهاده شده سختی ندارد، در نتیجه حریم‌ها را می‌شکند و به راحتی به حریم‌های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی تجاوز می‌کند؛ اما فردی که شایستگی و لیاقت لازم را برای پستی داراست، با تأییدهای درونی و بیرونی روبروست و این خود بزرگ‌ترین پشتیبان اوست؛ بنابراین باید هرکس را بر اساس خلاقیت‌ها و توانمندی‌هایش در جای مناسب گمارد تا بتواند به بهترین صورت کار و مسؤولیت خود را اداره کند (گلستانی، ۱۳۸۳: ۴۵).

پذیرش مسؤولیت در نگاه علوی بدان معناست که او در پرتو آن قادر است از عهده حفظ امانت سنگینی که به او سپرده شده است برآید و حق آن را آن‌گونه که شایسته است ادا کند. در نگاه امام علی(ع)، مردم سنگ‌زیرین آسیای حکومت و فرمانروا تنها وکیل، امین و نماینده مردم است و حکومت از نوع خدمتی است که یک امین صالح برای موکل خویش انجام می‌دهد، پس صرف آشنایی با افراد و یا داشتن رابطه با آنان، ملاک‌گزینش نیست. «من ولی أحدنا من المسلمین و هو یعلم أن فیهم من هو أولى بذلك و أعلم بکتاب الله و سنة نبیه فقد خان الله و رسوله» (احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ۶۲۵/۲) هر کس متولی فردی از مسلمانان شود درحالی‌که می‌داند کسانی دیگر سزاوارتر از او برای این کار و آگاه‌تر از او به قرآن و سنت پیامبر خدا و احکام اسلامی می‌باشند و این امر را به آنان نسپارد، به یقین به خدا و رسول او خیانت کرده است. برخلاف سیاست خلیفه سوم که سوگند یاد می‌کرد «اگر کلید بهشت در دستان من بود، بنی امیه را داخل آن می‌کردم» (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۹۲/۷) امام(ع) در مقابل این طرز تفکر، بر نصب شایستگان اصرار می‌ورزید و اعتقاد داشت: چهار چیز عامل اصلی فساد در حکومت‌هاست؛ تباه ساختن اصول، فریب‌کاری، مقدم نمودن انسان‌های نالایق و منزوی ساختن انسان‌های فاضل (ری‌شهری، ۱۴۱۶: ۹۳۶/۲).

از آنجاکه در حکومت علوی کارگزاران «خزانه‌داران رعیت و وکلای امت و سفیران ائمه و پیشوایان هستند» (نامه/۵۱) پس ضروری است در شناسایی افراد موردنظر دقت لازم و کافی به کار برده و بهترین آنان انتخاب شود. «در وضع منشیان و کارمندان دقت کن و کارهایت را به بهترین آن‌ها بسپار» (نامه/۵۳) چون «یک کارگزار جاهل، یا طرح و برنامه‌ای غلط تهیه می‌کند، یا در اجرای یک برنامه صحیح به افراط و تفریط کشیده می‌شود و کار را از مسیر اصلی خود خارج می‌سازد. در نتیجه، باطلی را حق و حقی را باطل نشان می‌دهد» (جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۱۸۶).

۲-۶. صبور در مقابل مشکلات

هیچ کاری بدون زحمت صورت نمی‌گیرد. همه فعالیت‌های انسان، هرکدام به نوبه خود دارای زحمات و مشکلاتی است که باید با آن‌ها دست‌وپنجه نرم کرد. کارهای اجرایی نیز مشکلات خاص خود را دارد. یک نیروی انسانی سازمانی کارآمد که می‌خواهد با فراهم کردن بستری مناسب کار خود را انجام دهد، بی‌شک با مشکلاتی روبرو خواهد شد. چه از لحاظ امکانات رفاهی برای زندگی و چه برای کار اجرایی. آنچه که مهم است، این است که می‌خواهد ادامه‌دهنده راه اولیای الهی باشد که با تمام وجود در برابر هجمه‌های سیاسی و اجتماعی پایداری کرده، مدال زرین «صبر در مقابل سختی» را زینت‌بخش خویش کردند. «در هنگام سختی و گرفتاری صبور و بردبارند» (خطبه/۱۹۳).

هر انسانی در محل کار خود با انواع مشکلات روبروست و کمتر کسی است که بدون مشکل و مانع بتواند وظیفه خویش را انجام دهد. حضرت امیر علیه‌السلام به همگان توصیه کرده‌اند که اگر به گرفتاری برخورد کردید، صبر کنید که سرانجام نیک، در سایه بردباری است. «اگر مبتلا شدید، پس استقامت و بردباری را پیشه خود سازید که سرانجام نیک و پیروزی راستین از آن تقوی‌پیشگان است» (خطبه/۹۸). همچنین فرمودند: «پایداری و استقامت را پیشه خود سازید که این خصلت مایه پیروزی است.» (خطبه/۲۶).

گاه در سازمان با افراد و گروهایی سروکار داریم که از روی جهالت و عدم اطلاع باعث کندی کار می‌شوند و انسان را افسرده می‌کنند. تنها سلاح برنده در چنین مواقعی سوار شدن بر مرکب راهوار صبر است که بی‌شک سوار را سالم به منزل خواهد رساند. امام (ع) فرمود: «خدا رحمت کند کسی را که صبر و استقامت را مرکب راهوار نجات خویش برگزیند» (خطبه/۷۶). در توصیه‌ای دیگر فرمودند: «صبر و استقامت را پیشه خود سازید زیرا بدون تردید، نسبت میان تردید، نسبت میان صبر و ایمان، همان نسبت میان سر و بدن است» (حکمت/۸۲). برای اینکه آستانه تحمل و صبر انسان به تناسب مشکلات و سنگ‌اندازی‌ها هماهنگ شود، ضروری است سرمایه انسانی نظام اسلامی دارای سینه‌ای گشاده باشد و سعه‌صدر را سرلوحه زندگی کاری خویش قرار دهد. در کار معمولاً سنگ‌اندازی، ناراحتی، غم، مشکلات، سختی‌ها، شکست‌ها، زخم‌زبان‌ها و... بر انسان اثر می‌گذارد، یک انسان موفق باید با درایت و مدیریتی خاص بتواند از کنار این نامالایمات عبور کند و با سرپنجه تدبیر برای رفع آن‌ها بکوشد و این نیازمند شرح صدر است. امیر مؤمنان علیه‌السلام شرح صدر را وسیله‌ای برای رهبری و ریاست می‌دانند و می‌فرمایند: «وسیله و ابزار ریاست، سعه‌صدر است» (حکمت/۱۷۶). در جای دیگر حضرت قدرت و توان بالای تحمل دیگران و گشادگی سینه را از صفات یک فرد مؤمن می‌شمارند، چون «مؤمن سینه‌اش از هر کس گشاده‌تر است» (حکمت/۳۳۳). حضرت امیر (ع) در فقراتی از نامه‌ای که به عثمان بن حنیف انصاری فرماندار بصره نوشتند، با مثالی زیبا ضمن فرق گذاردن بین انسان‌هایی که دارای توان تحمل بیشتری هستند و کسانی که از قدرت تحمل کمتری برخوردارند، فرمودند: «آگاه باشید درختان بیابانی چوبشان محکم‌تر است اما درختان سرسبز که همواره در کنار آب قرار دارند پوستشان نازک‌تر و کم‌دوام‌ترند.

درختانی که در بیابان روئیده و جز با آب باران سیراب نمی‌گردند، آتششان شعله‌ورتر و پردوام‌تر است» (نامه/۴۵).

۲-۷. پیشگام در راهبری

یکی از مهم‌ترین وظایف سرمایه انسانی کارآمد نظام علوی هدایت و پیشگامی در راهبری است. به فرمایش حضرت: «هر کس خود را امام و رهبر مردم قرار دهد، قبل از تعلیم دیگران باید خود را تعلیم دهد.» (حکمت/۷۳) کسی که امام علیه‌السلام را در کارها برای خود الگو قرار می‌دهد، باید بداند که آن حضرت در آنچه بدان سفارش می‌کرد، خود پیشگام و پیشقدم بود و در همه صحنه‌ها چون چراغی روشنایی می‌بخشید. خود درباره پیشگامی خویش فرمودند: «همان زمان که همه لب فرو بسته بودند، من سخن می‌گفتم و آن وقت که همه توقف کرده بودند، من با راهنمایی نور خدا به راه افتادم. صدایم از همه آهسته‌تر اما از همه پیشگام‌تر بودم، زمام امر را به دست گرفتم و جایزه سبقت در فضایل را بردم. همانند کوهی که تندبادها آن را به حرکت در نمی‌آورد و طوفان‌ها آن را از جای بر نمی‌کند، هیچ‌کس نمی‌توانست عیبی در من بیابد و هیچ سخن‌چینی جای طعن در من نمی‌یافت» (خطبه/۳۷). علی(ع) موقعیت زمامدار همچون ریسمانی می‌داند که مهره‌ها را در نظام می‌کشد و آن‌ها را جمع کرده، ارتباط می‌بخشد. اگر ریسمان از هم بگسلد، مهره‌ها پراکنده می‌شوند و هر کدام بجایی خواهد رفت و سپس هرگز نتوان همه را جمع‌آوری نمود و از نو نظام بخشید (خطبه/۱۴۶).

گرچه پیشگامی کارگزار اسلامی در عمل به گفتار خویش که فشرده‌ای از تعالیم الهی است، نشانه وظیفه‌شناسی و علامت پاکی دل و تقوای او است. ولی مهم‌تر از انجام وظایف فردی، هدایت مردم به صراط مستقیم و خوش‌بین کردن آن‌ها به نظام اسلامی است که این مهم را باید با عمل به نمایش گذاشت. علی علیه‌السلام درباره ضرورت هماهنگی علم و عمل فرمودند: «علم با عمل همراه است و هر کس به راستی عالم باشد عمل می‌کند. علم، عمل را فرا می‌خواند اگر اجابت کرد و آمد، علم می‌ماند و الا کوچ می‌کند» (حکمت/۳۶۶).

علی(ع) در جاهای مختلف از نکوهش کسانی سخن می‌گوید که بدون عمل مردم را به فرامین الهی دعوت می‌کنند. فرمود: «از کسانی مباش که بدون عمل صالح به آخرت امیدوار است و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می‌اندازد، در دنیا چونان زاهدان سخن می‌گوید؛ اما در رفتار همانند راغبان دنیا است... دیگران را پرهیز می‌دهد اما خود پروا ندارد، به چیزی فرمان می‌دهد که خود انجام نمی‌دهد، نیکوکاران را دوست دارد؛ اما رفتارشان را ندارد، گناهکاران را دشمن دارد اما خود یکی از گناهکاران است» (حکمت/۱۵۰). همچنین آن حضرت در نکوهش عالم بی‌عمل فرمودند: «بدون تردید آدم دانایی که برخلاف دانائی‌اش عمل می‌کند، بسان نادانی است که از خواب جهل، بیدار نمی‌شود. بلکه حجت علیه او بزرگ‌تر، حسرت وی دامن‌گیرتر و در پیشگاه خدا مورد ملامت بیشتر است» (خطبه/۱۱۰).

چنانکه صیاد باهوش و ماهر جهت صید تیر تیز خود را از میان یک کمان پر قدرت عبور می‌دهد تا به هدف برسد، یک نیروی انسانی در طراز سازمان اجرایی علوی نیز باید گفتار و مواظ خود را از میان یک

کمان «عمل» عبور دهد تا بتواند قدرت سحرآمیز بیان را در بین مخاطبین به نمایش بگذارد و چه زیبا فرمود «هر آن که مردم را دعوت کند، ولی عمل نکند، همچون تیرانداز بدون کمان است» (حکمت/۳۳۷). پس وظیفه اصلی این است که «هنگامی که به چیزی علم پیدا کردید، براساس آن عمل کنید.» (حکمت/۲۷۴) که اگر چنین شود، چونان پیامبران و ائمه طاهرين عليهم السلام آحاد مردم به راه دین جذب می‌شوند و مانع از دین‌گریزی آنان خواهد شد.

۲-۸. کاردان کار بلد

هم چنان که پاکی و دینداری افراد در تصدی پست‌های حکومتی مهم است، داشتن تجربه کاری نیز به همان اندازه دارای اهمیت خاصی است. خصوصاً تجربیاتی که در کارهای مدیریتی و اجرایی کسب شده باشد. یکی از توصیه‌های حضرت امیر(ع) در خصوص انتخاب کارگزاران برای حکومت اسلامی آن است که «از میان آنان افرادی را که باتجربه‌تر است، انتخاب کن» (نامه/۵۳) که کمال عقل انسانی در عمل کردن به تجربیات و پندگیری از آنهاست. چون خرد انسان‌ها محدود است و نمی‌تواند تمامی حقایق و راه‌حل مشکلات را بفهمد. از دیرباز انسان‌های خردمند، جهت جبران این کاستی از تجربیات و آموخته‌های دیگران کمک می‌جستند. این امر فطری و عقلایی در آموزه‌های دینی نیز مورد تأکید و اصرار واقع شده، به‌ویژه برای کسانی که مسؤولیت اداره جامعه و نهادهای اجتماعی را بر عهده می‌گیرند. حضرت امیر(ع) به محمد بن حنفیه فرمودند: «نظر مردان اهل فکر و خرد را برخی را با برخی دیگر ضمیمه کن و سپس نزدیک‌ترین آنها را به حقیقت و دورترین آنها را از شک و تردید انتخاب کن. چون نگهداری و به کار بستن تجربه انسان را به موفقیت‌های مطلوب رهنمون می‌کند» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۴۶/۱۲، حدیث ۱). که اگر از تجربیات به‌دست‌آمده استفاده نشود، شقاوت و بدبختی را به همراه خواهد داشت. «بدبخت کسی است که از عقل و تجربه‌هایی که نصیب او شده محروم مانده است» (نامه/۷۸).

کسانی که خود را بی‌نیاز از تجربه می‌دانند، به مقصد نخواهند رسید. چنان که علی(ع) فرمودند: «مَنْ غَبِيَ عَنِ التَّجَارِبِ عَمِيَ عَنِ الْعَوَاقِبِ» (آمدی، ۱۳۶۶: ح ۱۰۱۶۲) کسی که خود را از تجربه‌ها بی‌نیاز بداند، سرانجام امور را نخواهد دید. کسی که دنبال هدفی عالی است و برای رسیدن به آن باید از گردنه‌های پر پیچ‌وخم عبور کند تا بر مشکلات پیروز شود، باید بداند که در این راه نیازمند تجربه است. امیرمؤمنان علی(ع) فرمودند: «كُلُّ مَعُونَةٍ تَحْتَاجُ إِلَى التَّجَارِبِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷/۷۵، حدیث ۵۹) هر امر مشکلی که کمک لازم دارد به داشتن تجربه‌ها نیازمند است. درباره ارزش و اهمیت تجربه همین‌قدر کافی است که حفظ تجربه‌ها یکی از نشانه‌های عقل و خردمندی است (نامه/۳۱). همچنان که آن حضرت «حفظ تجربه را بخشی از موفقیت می‌داند» (حکمت/۲۱۱).

معمولاً کسانی که در پی اهداف عالی هستند، دشمنانی فرصت‌طلب نیز دارند که در حال مکر و نیرنگ‌اند. استفاده از تجربه یکی از راه‌های شناخت فریب و نیرنگ است. به فرمایش حافظ: خوش بود گر محک تجربه آید به میان / تا سیه روی شود هر که در او غش باشد. باید از تجربه‌های به‌دست‌آمده بهترین استفاده را برد، چراکه بدبختی و شقاوتی از این بدتر نیست که از تجربه‌های به‌دست‌آمده استفاده

نشود. این نکته را حضرت امیر(ع) در نامه‌ای به ابوموسی اشعری گوشزد کرده و نوشتند: «البته انسان شقی آن کسی است که از ثمرات تعقل و تجربه، بهره‌مند نشود و محروم بماند» (نامه/۷۸). در طول زندگی سازمانی هر انسانی، حوادثی تلخ چرخه زندگی را دچار کندی می‌کند که البته این‌ها لازمه زندگی است، چراکه این تلخی‌ها انسان را در مقابل مشکلات و حوادث آینده، آبدیده می‌کند.

۲-۹. پرکار خستگی ناپذیر

پرکار بودن و داشتن فعالیت و تلاش در صحنه عمل یکی دیگر از شاخص‌های نیروی انسانی کارآمد نظام علوی است. خیلی‌ها وقت حرف و گفتمان، خوب نطق می‌کنند اما همین که در مدیریت وارد شدند و زمان عمل فرا رسید، در انجام وظایف کوتاهی می‌کنند و یا کثرت کارها آن‌ها را مغلوب و درمانده می‌کند. امام علیه‌السلام پیوسته کارگزاران خویش را به خدمت هر چه تمام‌تر به مردم و تأمین رفاه و آسایش آنان فرا می‌خواند (نهج‌البلاغه، نامه/۵۰ و ۵۹).

امام(ع) در نامه‌ای به اسود بن قطبه فرمانده سپاه حلوان (در جنوب شهر سرپل‌ذهاب فعلی) نوشتند: «بدآن‌که دنیا سرای آزمایش است و دنیا دار ساعتی در آن از تلاش در راه خدا آسوده نباشد مگر آن‌که همان مایه حسرت او در روز قیامت گردد» (نامه/۵۹). آن حضرت تلاش کارگزار در جهت تأمین نیازها و رفاه مردم را یکی از حقوقی می‌دانست که بر عهده آنان است. «و از جمله حقوقی که بر تو لازم گشته آن است که خود را ننگه داری و به قدر توان خود در کار رعیت تلاش کنی» (نامه/۵۹). بعد در ادامه فلسفه این تلاش را چنین تبیین فرمودند: «زیرا سودی که از این کار به تو می‌رسد بیش از فایده‌ای است که تو به مردم می‌رسانی» (نامه/۵۹).

آن حضرت از منت گذاشتن بر خلق به خاطر خدمتی که به آن‌ها نموده‌اند پرهیز می‌داد و تأکید می‌کرد: کارگزار اسلامی نباید کاری را که برای مردم انجام می‌دهد بزرگ بشمارد. بدین جهت حضرت توصیه می‌کردند کارگزاران حکومتی از کسانی انتخاب شوند که کارهای مهم او را مغلوب و درمانده نسازد و کثرت کارها او را پریشان و خسته نکند (نامه/۵۳). آن حضرت ویژگی بارز کارگزار را تلاش و پشتکار در خدمت به مردم می‌دانست و عقیده داشت که کارگزار حکومت علوی «در انجام کاری که به صلاح اوست کوتاهی نوزد و برای رسیدن به حق در امواج سختی‌ها فرو رود» (نامه/۵۳). به دیگر سخن باید سرمایه سیاسی کارآمد کسی باشد که در حوزه فعالیتی نسبت به وظایف محوله کوتاهی نکند و «از کسانی نباشد که در اثر غفلت و رساندن نامه‌های کارمندان به تو و گرفتن جواب‌های صحیحش از تو کوتاهی نماید، خواه در اموری باشد که از طرف تو دریافت می‌دارند و یا از سوی تو می‌بخشند» (نامه/۵۳). به تعبیر علی(ع)، باید به هر کسی که پشتکار ندارد، تکیه نکرد (حکمت/۲۱۱). چراکه نیروی ساکت و راکد بدرد نمی‌خورد بلکه سازمان اداری به عناصر فعال و پرتحرک فکری و کاری نیازمند است. در آخرین خطبه نهج‌البلاغه به صورت یک اصل کلی آمده: «خداوند شکرگزاری را بر عهده شما نهاده و امرش را برایتان باقی گذارده و در میدان فراخ مسابقه مهلتتان داده تا برای رسیدن به هدف از یکدیگر پیشی گیرید» (خطبه/۲۴۱). پس کمر را محکم ببندید و دامن را در هم بیچید که آهنگ جدی و رسیدن به ارزش‌های

بلند با شکم‌بارگی و خوش‌گذرانی جمع نمی‌شود. چون برای مقابله با مشکلات و پیروزی بر آن‌ها، اراده‌ای آهنین لازم است تا انسان از نیروهای نهفته در وجود خود، بیشترین بهره را برد. دست روی دست گذاشتن هنر نیست، چراکه مردان بزرگ در سایه سعی و تلاش، قله‌ها را فتح می‌کنند.

امام علی(ع) به‌عنوان یک الگوی عملی که از ثانیه‌های عمر خویش چه در مسایل دنیوی و چه اخروی، بیشترین بهره را گرفته و آرزوی همگان را در رسیدن به آن مقامات به حسرت تبدیل کرده است، در فرمایشی هر غفلت زده‌ای را به تلاش و کوشش فرا می‌خواند که «ای غفلت‌زده، بکوش، بکوش» (خطبه/۱۵۳) که ساختن آینده‌ای آباد و سعادت‌مند در گرو دست‌های پرتوان و زحمت‌کش است. علی(ع) گاه جهت به راه انداختن انسان‌ها برای فعالیت و تلاش در زندگی، از تلاش و کوشش موجودات الهی مثال می‌زند تا همگان از کار و فعالیت آن‌ها درس تلاش بگیرند و در زندگی خود جدیت داشته باشند. در یکی از خطبه‌ها، از تلاش و فعالیت مورچه سخن می‌گوید: «به مورچه و کوچکی چته آن بنگرید... که چگونه روی زمین راه می‌رود و برای به‌دست آوردن روزی خود تلاش می‌کند؟ دانه‌ها را به لانه خود منتقل می‌سازد و در جایگاه مخصوص نگه می‌دارد، در فصل گرما برای زمستان تلاش کرده و به هنگام درون رفتن بیرون آمدن را فراموش نمی‌کند» (خطبه/۱۸۵).

۲-۱۰. انقلابی و لایتمدار

حق‌گرایی و ستیز با باطل از اصول مسلم حاکم بر سیاست علوی است. آن حضرت فلسفه حاکم بر سیاست را احیاء حق و اماتة باطل می‌داند و حکومتی را که از این مسیر منحرف شده باشد، پست‌ترین و ناچیزترین امور می‌شمارد (خطبه/۳۳). در خطبه شششقیه فرمود: به خدایی که دانه را شکافت و انسان را پدید آورد، اگر نبود حضور مردم و تمام بودن حجت بر من به جهت وجود یاور و پیمانی که خداوند از آگاهان گرفته که در برابر پرخوری ستمکاران و تجاوز آنان به حقوق مظلومان و گرسنگی ستمدیدگان ساکت ننشینند، بی‌تردید دهنه شتر حکومت را بر کوهانش می‌افکندم و پایان آن را همچون آغازش با پیاله تهی سیراب می‌کردم و در آن هنگام می‌دیدید که این دنیای شما در چشم من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است. (خطبه/۳).

از آنجاکه زمینه‌ساز حکومت صالحان و برقراری نظام اسلامی ثمره خون هزاران شهید است، برای تداوم و حفظ حرمت خون شهدا و انقلاب، باید کسانی کمر همت بالا بزنند که خود اهل درد باشند و با تمام وجود از جهت مالی و جانی سختی‌ها و مشکلات و نامالایمات انقلاب را لمس کرده باشند. حضرت امیر(ع) در نكوهش انسان‌های بخیل و خودپرست فرمود: «نه اموال خود را در راه خدایی که آن مال‌ها را روزی شما کرده می‌بخشید، نه جان‌ها را در راه خدای جان‌آفرین به خطر می‌افکنید» (خطبه/۱۱۷). هزینه کردن از مال و جان در راه آرمان‌های انقلاب و به ثمر نشستن تلاش‌ها از اصول ارزشی حکومت علوی است. به تعبیر حضرت باید کسی کارگزار مردم باشد که خود انقلابی است. (نامه/۵۳) حضرت به مالک فرمود: در انتخاب نیروهای سازمانی نظام اسلامی، آن‌ها را از طریق پست‌هایی که برای حکومت‌های صالح پیش از تو داشته‌اند بیازمای که خدای ناکرده از پس‌مانده‌های رژیم ستمگر و اهل فتنه نباشند که

نسبت به خون شهدا و مردم مستضعف بی تفاوت باشند و هیچ تعهدی در قبال کوخ‌نشینان نداشته باشند. «کسی را انتخاب کن که با ستمگران در ستمشان همکاری نکرده و در گناه شریک آنان نبوده‌اند. این افراد هزینه‌شان بر تو سبک‌تر، همکاری‌شان با تو بهتر، محبتشان با تو بیشتر و انس و الفتشان با بیگانگان کمتر است» (نامه/۵۳). به فرمایش قرآن ﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ (هود/۱۱۳)؛ به آنان که ستم کردند، اعتماد نکنید که آتش دامن‌گیر شما می‌شود.

علی(ع) در مقابل نکوهش انسان‌هایی که در راه انقلاب نسبت به مال و جان خود بخل می‌ورزند و از آن هزینه نمی‌کنند، در سال ۳۶ هجری پس از جنگ جمل در ستایش یارانش فرمود: شما یاران حق و برادران دینی هستید و سپرهای بازدارنده در روز نبردید، شما محرم اسرار من می‌باشید نه مردم دیگر «من به نیروی شما بر پیکر آنان که به حق پشت می‌کنند ضربه می‌زنم و به فرمان‌برداری آنان که به حق روی می‌آورند امیدوارم. پس مرا با خیرخواهی عاری از هر خیانت و سالم از هر شک یاری رسانید که به خدا قسم من سزاوارترین مردم به رهبری مردم هستم» (خطبه/۱۱۸). نیروی اجرایی انقلابی در هر پست سازمانی که باشد موجب سربلندی رهبر و فرمانده خویش است و نبود این صفت موجب می‌شود که ستون خیمه انقلاب به لرزه بیفتد و موجب شمانت دشمنان قرار گیرد. چون کارهای نظام با دست‌وپنجه تدبیر این نیروهاست که انجام می‌گیرد و مشکلات نظام برطرف می‌شود. حضرت امیر علیه‌السلام در سال ۳۸ هجری وقتی خبر یورش سپاه معاویه به شهر انبار و سستی مردم به را شنید، در نکوهش عملکرد و موضع‌گیری ضعیف آن‌ها فرمود: «ای مردنماهای نامرد! ای کودک صفتان بی‌خرد که عقلتان به اندازه عقل عروسان پرده‌نشین است! چقدر دوست داشتیم که شما را ندیده بوده و نمی‌شناختم ... برنامه‌ام را با نافرمانی و یاری نکردن تباه ساختید تا آنجا که قریش گفت پسر ابوطالب شجاع هست ولی راه و روش جنگ را نمی‌داند» (خطبه/۲۷).

در نظام اسلامی اساس و پایه کارها، دستورات و آموزه‌های دینی است. لذا هر نوع فلسفه‌ای که منزلت ویژه‌ای برای انسان و استعدادها و توانایی‌های او قائل است و او را مقیاس و محور همه‌چیز قرار می‌دهد که در اصطلاح تفکرات لیبرالیستی و اومانستی گفته می‌شود (سربخشی، ۱۳۸۸: ۱۳۸). در آن جایگاهی ندارد. کارگزار اجرایی که به‌عنوان سرمایه انسانی نظام محسوب می‌شود باید پایبندی خود را به دستورات دینی که در قانون اساسی تبلور یافته نشان دهد، چراکه یکی از اصول مهم قانون اساسی، اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یعنی «اصل ولایت فقیه» است. کارگزار نظام اسلامی باید التزام و پایبندی خود را به اصل ولایت فقیه، همچون محمد بن ابی‌بکر و مالک اشتر اثبات و ابراز کند که در سایه پیروی و تبعیت از ولایت فقیه جامعه اسلامی از تمام خطرات مصون بوده، خود را به سلامت به‌جایگاه امن یعنی حکومت ولی‌الله اعظم خواهد رساند. هنگامی که مالک متوجه شد که حضرت امیر(ع) در شرایط سختی قرار گرفتند، وی نیز تسلیم شد و گفت: «به آنچه امیرالمؤمنین رضایت دارد، راضی هستم» (منقری، ۱۳۸۲: ۴۹۰). هم‌چنان که امام(ع) نیز درباره تسلیم کامل مالک نسبت به آن حضرت فرمود: «اگر اشتر ببیند من راضییم، راضی شود» (منقری، ۱۳۸۲: ۵۲۱). حضرت امیر علیه‌السلام محمد بن

ابی بکر را با ویژگی‌های «وَلَدًا نَاصِحًا» فرزندی خیرخواه، «عَامِلًا كَادِحًا» کارگزاری کوشا، «سَيِّفًا قَاطِعًا» شمشیری برنده «وَوَزْكَئًا دَافِعًا» ستونی بازدارنده (نامه/۳۵) می‌ستاید و مالک را با صفت، «كَانَ رَجُلًا لَنَا نَاصِحًا» نسبت به ما خیرخواه «وَوَعَلَىٰ عَدُوِّنَا شَدِيدًا نَاقِمًا» به دشمنان ما سخت‌گیر و درهم کوبنده بود، ستایش می‌کند (نامه/۳۴). و در نامه‌ای مردم مصر را سفارش می‌کند به این که «اگر مالک شما را فرمان حرکت داد حرکت کنید و اگر فرمان توقف داد بایستید که او جز به فرمان من بر کاری اقدام نمی‌کند و یا باز نمی‌ایستد و کاری را جلو یا عقب نمی‌اندازد» (مفید، ۱۴۱۳ (الف): ۸۰).

به فرمایش امام علی (ع) یکی از حقوق ولایت بر کارگزاران حکومت اسلامی این است که هر وقت آنان را بخواند اجابت نمایند و هرگاه فرمان دادم اطاعت کنند (خطبه/۳۴). که اگر از دستورات ولایت پیروی شود جامعه اسلامی به سرمنزل مقصود خواهد رسید. «اگر از دستورات من پیروی کنید من به خواست خدا شما را به سوی بهشت خواهم برد هر چند که راه بهشت پر مشقت و تلخی‌هایی به همراه دارد» (خطبه/۱۵۶). اما اگر کسی نظام اسلامی، قانون اساسی و اصل ولایت فقیه را قبول ندارد، نباید جای نیروهای کارآمد انقلابی ولایی دیگر را اشغال کند که این خود معصیتی دیگر است.

حضرت امیر (ع) به عبدالله بن عباس که عامل حضرت در بصره بود، نوشتند: کاری مکن که نظرم درباره تو بر گردد (نامه/۱۸). چون وظیفه شما آن است که «از من اطاعت کنید و از دستوراتم تخلف نکنید و در انجام کاری که به صلاح شماست کوتاهی نورزید و برای رسیدن به حق در امواج سختی‌ها فروورید» (نامه/۵۰). در سال ۳۶ هجری پس از قتل عثمان در مدینه فرمود: در شگفتی، چرا در شگفت نباشم؟ از خطای گروه‌های پراکنده با دلایل مختلف که هر یک در مذهب خود دارند! نه گام بر جای گام پیامبر می‌نهند و نه از رفتار جانشین او پیروی می‌کنند... به شبهات عمل می‌کنند و در گرداب شهوات غوطه‌ورند، در حل مشکلات به خود پناه می‌برند و در مبهمات تنها به رأی خود تکیه می‌کنند، گویا هر کدام امام و رهبر خویش می‌باشند که به دستگیره‌های مطمئن و اسباب محکمی که خودباور دارند چنگ می‌زنند (خطبه/۸۸).

شیخ مفید به نقل عده‌ای از مورخان می‌نویسد: وقتی امام علی (ع) برای نبرد جمل راهی بصره می‌شدند، شنیدند که سعد بن ابی وقاص، ابن مسلمه، اسامه بن زید و عبدالله بن عمر از همراهی خودداری می‌کنند. از این رو پی‌آن‌ها فرستادند و وقتی حاضر شدند، فرمودند: به من خبر رسیده که شما در کار سستی می‌کنید که آن را خوش ندارم. در عین حال و با وجودی که با من بیعت کرده‌اید شما را به همراهی خود مجبور نمی‌کنم. وقتی حضرت را تصدیق کردند، فرمود: پس دلیل خودداری شما از همراهی من چیست؟ سعد گفت: من از این می‌ترسم که در این نبرد مؤمنی به دست من کشته شود. اگر به من شمشیری می‌دهید که مؤمن را از کافر باز شناسد، با شما همراه می‌شوم. اسامه بن زید نیز چنین عذر آورد که شما گرامی‌ترین مردم نزد من هستید ولی من با خدا عهد کرده‌ام که با اهل لا اله الا الله نجنگم. عبدالله بن عمر نیز گفت: من از این جنگ سر در نمی‌آورم، از شما می‌خواهم مرا بر چیزی که نمی‌دانم نخوانید. «فَقَالَ لَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: لَيْسَ كُلُّ مَفْتُونٍ مُعَاتِبًا أَلَسْتُمْ عَلَىٰ بَيْعَتِي؟ قَالُوا بَلَىٰ قَالَ انصَرِفُوا فَسَيُغْنِي اللَّهُ

تَعَالَى عَنكُمْ» (مفید، ۱۴۱۳: ۹۶). حضرت در پاسخ همه آن‌ها فرمودند: هر فریفته‌ای سرزنش نمی‌شود. آیا بر بیعت من نیستید؟ گفتند: آری. فرمود: بروید! خداوند مرا از شما بی‌نیاز خواهد کرد. اگر سازمانی بدون تحقیق و شناسایی و بدون توجه به سابقه افراد صرفاً به خاطر خویشاوندی و یا خوش‌گمانی و خوش‌بینی فردی به‌عنوان کارگزار انتخاب شود و بعد از انتخاب مشخص شود که این فرد متخصص، متدین، انقلابی، امتحان داده، پرکار، خوش‌نام، جوان‌گرا و... نیست، غیر از خود نباید کسی را مذمت کرد. به مالک نوشتند: «به‌خوبی باید بدانی هر عیبی در کارگزاران تو یافت شود که تو از آن بی‌خبر باشی، شخصاً مسئول آن خواهی بود» (نامه/۵۳).

۲-۱۱. مردمی بودن

یکی از وظایف مهم کارگزار اسلامی این است که به ارباب‌رجوع و انسان‌هایی که بر او وارد می‌شوند تکریم کند و در نهایت ادب به شخصیت آن‌ها احترام بگذارد. به دیگر سخن مردم‌دار باشد و ضمن خوش‌رفتاری رسیدگی به خواسته‌های مردم را در محل کار از اولویت‌های کاری خویش قرار دهد که در سایه این عمل، بقای نعمت‌های خدادادی را نیز فراهم می‌سازد. حضرت امیر(ع) به جابر فرمودند: «ای جابر! کسی که نعمت‌های فراوان خدا به او روی کرد، نیازهای فراوان مردم نیز به او روی آورد، پس اگر صاحب نعمتی حقوق واجب الهی را بپردازد، خداوند نعمت‌ها را بر او جاودانه سازد و آن‌کس که حقوق واجب الهی در نعمت‌ها را نپردازد، خداوند آن را به زوال و نابودی کشاند» (حکمت/۳۷۲).

آن حضرت به‌صورت موجه کلیه روش معاشرت با مردم و رفتار سازمانی را چنین تبیین کردند: آن‌گونه با مردم و ارباب‌رجوع زندگی کنید که اگر از دنیا رفتید، برایتان گریان و آنگاه که در کنار آنان بسر می‌برید، به شما عشق بورزند (حکمت/۱۰). پس لازم است کارگزار اسلامی در برخورد با توده مردم، اولاً: عدل و انصاف را نسبت به مردم از جانب خود، نزدیکان و هواداران رعایت کند (نامه/۵۳). ثانیاً: با مردم گشاده‌روی و فروتن باشد و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان برخورد کند (نامه/۴۶).

دوری از آزار و اذیت و مردم‌آزاری، روی دیگر سکه مردم‌داری است. سرمایه انسانی کارآمد باید چنان رفتاری از خود نشان دهد که در برخوردهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... تنها به راضی بودن مردم از خود بسنده نکند. بلکه کار را به‌جایی برساند که حتی کوچک‌ترین اذیت و آزاری از او دیده نشود. علی‌السلام فرمودند: «خوشا به حال کسی که شرّ و بدی خود را از مردم دریغ دارد» (حکمت/۱۲۳) به قول سعدی: خدا را بر آن بنده بخشایش است/ که خلق از وجودش در آسایش است.

نکته‌ای که لازم به یادآوری است و حضرت علی علیه‌السلام آن را گوشزد کردند، آن است که درسته مردم‌داری شاخص امتیاز یک نیروی سازمانی کارآمد اسلام است، اما این به معنای اعتبار همه مردم در همه زمان‌ها نیست. حضرت علی علیه‌السلام نسبت به مردم بی‌اعتبار زمان خویش فرمودند: «به خدا سوگند امروز بدین نتیجه رسیدیم که به گفتار و وعده‌های شما دل نبندم و به یاری شما امیدوار نباشم و دشمن را به وجود شما تهدید نکنم» (خطبه/۲۹). همین مردم بی‌اعتبار باعث غربت امیرمؤمنان علی

علیه‌السلام شدند. مردمانی که همه وجودش را وقف آنان کرده بود به حدی که حضرت زبان به شکوه باز کردند و فرمودند: شگفتا، می‌خواهم به‌وسیله شما بیماری‌ها و دردهای اجتماعی را درمان کنم ولی شما درد بی‌درمان من شده‌اید، کسی را می‌مانم که خار در پایش رفته و با خار دیگری می‌خواهد آن را بیرون بکشد، درحالی‌که می‌داند خار در تن او بیشتر شکند و بر جای ماند (خطبه/۱۲۱).

نتیجه‌گیری

امام علی(ع) به جهت نگاه توحیدی و الهی به سیاست، وجود کارگزاران کارآمد و مدیران با کفایت در جامعه را از عوامل مهم و اساسی در ثبات و کارایی نظام می‌داند. بدین‌جهت در جامعه اسلامی مدیران و کارگزاران در تأمین امنیت و رفاه مردم، نیز گره‌گشایی در امور اقتصادی و اجتماعی نقش مؤثری ایفا می‌کنند. اگر هدف اصلی حکومت اسلامی از منظر امام علیه‌السلام برقراری عدالت و حفاظت از مردم در ابعاد مختلف و خدمت به آنان برای تأمین سعادت و سیادت دنیوی و اخروی است و کارگزار حکومت اسلامی همواره در پی آن است تا حقی را بر پای داشته و یا باطلی را دفع نماید، ضروری است برای انتخاب این سرمایه‌های اجتماعی و سیاسی، معیارها و شاخص‌هایی مدنظر قرار گیرد و کارگزار متناسب با حکومت و نظام اسلامی گزینش شود.

از بیانات امام علی(ع) در نهج‌البلاغه استفاده می‌شود که کارگزار جامعه اسلامی به‌عنوان خدمت‌گزار دارای ویژگی‌ها و معیارهایی باید باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد. آشنایی و معرفت به هدف و مؤمن به کاری که انجام می‌دهد، دیندار با تقوا، مخلص در انجام وظیفه سازمانی، شایستگی در تخصص و تعهد، صبور در برابر مشکلات و موانع سازمانی، کاردان کار بلد، پرکار خستگی‌ناپذیر، انقلابی ولایتمدار و مردم‌داری و تکریم ارباب‌رجوع.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. چاپ اول. قم: علامه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر. (۱۴۰۸). البداية و النهاية. تحقیق: علی شیری. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- احمدی میانجی، علی. (۱۴۱۹). مکاتیب الرسول صلی الله علیه وآله. چاپ اول. قم: دار الحدیث.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۶). اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی. تهران: نشر فرهنگی رجا.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹). وسایل الشیعه. چاپ اول. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴). تحف العقول. محقق و مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- خویی، میرزا حبیب الله. (۱۴۰۰). منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه. محقق: ابراهیم میانجی. مترجم: حسن حسن زاده آملی و محمد باقر کمره‌ای. چاپ چهارم. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- ذوعلم، علی. (۱۳۸۶). امام علی و سیاست. دانشنامه امام علی علیه السلام. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چهارم.
- سربخشی، محمد. (۱۳۸۸). اخلاق سکولار مبانی، ادله، نقدها. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- شریفی نیا، محمد حسین. (۱۳۸۰). «اصول سیاست علوی». روش شناسی علوم انسانی، شماره ۲۶، ۴-۱۲.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). الامالی. چاپ اول. قم: دار الثقافة.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه. چهارم.
- گلستانی، غلام نبی. (۱۳۸۳). ویژگی‌های حکومت پاسخ‌گو در مدیریت علوی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. شماره ۴۹ و ۵۰، ۳۷-۶۰.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۴۱۶). میزان الحکمه. قم: دار الحدیث.
- ----- (۱۳۷۵). موسوعه امام علی بن ابی طالب. قم: دار الحدیث.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ الف). الاختصاص. محقق: مصحح؛ علی اکبر غفاری و محمد محرمی زرنندی. چاپ اول. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- ----- (۱۴۱۳). الجمل والنصرة لسید العتره فی حرب البصرة. چاپ اول. محقق: مصحح؛ علی میر شریفی. قم: کنگره شیخ مفید.

- منقری، نصر بن مزاحم. (۱۳۸۲). وقعه صفین. تحقیق: عبدالسلام هارون. بیروت: الموسسه العربیه الحدیثه.
- نصری، عبدالله. (۱۳۸۸). انسان الهی (تحلیل شخصیت امام علی (ع) از دیدگاه علامه جعفری). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.